

# اتحاد کارگر

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

کمیته روابط سندیکایی ایران

شهریور ۱۳۹۲

سال اول شماره ۲

## اهمیت وحدت عمل در جنبش سندیکایی زحمتکشان



مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن ما برای دستیابی به حقوق خود، طی سالیان اخیر فراز و فرودهای متعددی را تجربه کرده است. این مبارزه که بخشی از خواسته‌های آن عبارتند از: حق برپایی سندیکا و احیای حقوق سندیکایی، افزایش دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، امضاء پیمان‌های دست‌جمعی، جلوگیری از خصوصی‌سازی و اخراج‌ها، لغو قراردادهای موقت و آزادی کارگران و سندیکالیست‌های دربند، کماکان ادامه دارد. نکته پر اهمیت که نشان‌ای از رشد آگاهی طبقاتی زحمتکشان قلمداد میشود، تاکید بر برسمیت شناخته شدن حقوق سندیکایی کارگران و حق احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل است. اکنون تشکلهای سندیکاهای مستقل به عنوان بخشی جدایی ناپذیر با تمام کاستی‌ها و مشکلات به حضور خود ادامه میدهند و نقش و جایگاه آنها در

ادامه در صفحه ۲

در این شماره می‌خوانید

احیای حقوق سندیکایی وظیفه عاجل مرحله کنونی صفحه ۱

یادداشت صفحه ۱

اخبار کارگری ایران صفحه ۲، ۳، ۴

اخبار کارگری جهان صفحه ۲، ۳

جمعه ۱ شهریور ۱۳۹۲ ه.ش.

## دولت جدید، مطالبات کارگران و نقش جنبش سندیکایی



### حقوق سندیکایی باید به رسمیت شناخته شود

دولت حسن روحانی پس از سوگند کار خود را آغاز کرده است. با معرفی علی ربیعی به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اکنون جنبش سندیکایی کارگران ایران در انتظار سیاست‌های «جدید» نشسته است. شواهد عینی نشان می‌دهد که در مدت زمامداری دولت احمدی‌نژاد، اساس فکری بر این بوده است که اگر همراه با سرکوب شدید کارگران پیشرو و سندیکاهای مستقل، روی آمارهای ساختگی و توضیحات غیرواقع از نتایج برنامه‌های اقتصادی «بازار آزاد- تعدیل اقتصادی - شوک درمانی - دولت کوچک»، به اندازه‌ی کافی تبلیغات عوام‌فریبانه شود، در نهایت به طبقه‌ی کارگر و مردم عادی این برنامه‌های ضدمردمی باورانده خواهد شد.

خصوصی‌سازی و چپاول اموال ملی را، «کوچک سازی دولت» و «دادن کار مردم به دست مردم» معرفی بکنند؛ دستبرد به سفره‌ی بازنشستگان (ایلنا، ۱۱ تیر ۱۳۹۲) را، به عنوان بردن «پول نفت سر سفره‌ی مردم» وعده بدهند؛ و بالاخره، تبعیت از دستورات و اجرای برنامه‌های اقتصادی دیکته شده توسط نهادهای امپریالیستی مثل «صندوق بین‌المللی پول» (مهر، ۳۱ تیر ۱۳۹۲) را، به عنوان مبارزه با استکبار و استعمار جهانی جا بزنند. مواردی که ذکر شد، میراث دولت‌های منفور احمدی‌نژاد در هشت سال قبل است.

همان طور که در نامه‌ی ۲ مرداد ۱۳۹۲ خود، «سندیکای ادامه در صفحه ۳

مجموع جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان ایران انکار ناپذیر است.

در اوضاع فعلی و با توجه به آغاز فعالیت دولت حسن روحانی و وزیر کار جدید این دولت که سخن از " طرح‌های نو" می‌گوید و باید در انتظار اعمال سیاست معینی در قبال جنبش سندیکایی زحمتکشان بود، اهمیت تقویت نقش سندیکاهای مستقل بیش از پیش برجسته شده و لزوم همکاری، همیاری و اتحاد عمل در درون جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان کشور احساس می‌گردد. کارگران در برابر سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به یک مبارزه و مقاومت مشترک در چارچوب سندیکاهای واقعی و رزمجو نیازمند هستند. اگر به تحول‌های سیاسی و رخداد‌های کارگری چند ماه اخیر با دقت نظری بپفکنیم، در می‌یابیم که خواسته احیای حقوق سندیکایی و حضور و مشارکت نمایندگان واقعی کارگران در مسایل و امور مربوط به خودشان تا چه اندازه جدی طرح و پیگیری می‌شود. به عنوان نمونه از آنجا که طرح‌های اصلاح قانون کار و اصلاح قانون تامین اجتماعی در چارچوب برنامه آزاد سازی اقتصادی مطابق نسخه بانک جهانی در دستور کار دولت قرار دارد و این اصلاحیه‌ها منافع و حقوق کارگران را نابود و پایمال می‌سازند، خواسته مشارکت نمایندگان انتخابی (نه انتصابی) کارگری در هیات‌های مدیره و اجرائی سازمان تامین اجتماعی بدل به یک مطالبه سراسری کارگران شده است. بنابراین برای اینکه چنین خواسته‌های به حق و منطبق با منشور جهانی حقوق سندیکایی مصوبه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری از قوه به فعل درآید، به سندیکاهای، به سازمان‌های سندیکایی واقعی و مستقل و نیز وحدت عمل گسترده در جنبش سندیکایی زحمتکشان نیاز مبرم داریم.

مصوبه اخیر شورای عالی کار در مورد حقوق جانبی مانند حق مسکن، خوار بار و حق عائله‌مندی و محروم شدن کارگران صنوف از این مصوبه بار دیگر اهمیت وجود سندیکاهای مستقل که بر پایه صحیح طبقاتی شکل گرفته باشند را نشان داد. تجربه سالیان اخیر نیز موید این واقعیت است. جنبش سندیکایی وسیع‌ترین و توده‌ای‌ترین بخش جنبش کارگری است که به طور عمده شامل مبارزات اقتصادی و رفاهی و صنفی کارگران می‌گردد. گرچه به هیچ روی از ضرورت مبارزات سیاسی - طبقاتی و جانبداری طبقاتی آنان نمی‌کاهد. جنبش سندیکایی از لحاظ ارتباط و تماس با توده‌های عظیم زحمتکشان شهری و روستایی، وسیع‌ترین سازمان متشکل کارگران و زحمتکشان به شمار می‌رود. این جنبش تمامی کارگران را صرف نظر از تفاوت‌های عقیدتی، مذهبی و مسلکی در بر می‌گیرد. همه کارگران بدی و فکری زیر پوشش سندیکاهای و اتحادیه‌ها متشکل می‌شوند و از حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود به دفاع می‌پردازند. تشکل جنبش سندیکایی بر وسیع‌ترین توده‌های زحمتکش تکیه دارد و عام‌ترین مسائل دفاع از حقوق کارگران را مطرح می‌سازد. دقیقاً به علت همین ویژگی‌های تشکل سندیکایی است که این تشکل از امکانات وسیع برای تجمع همه زحمتکشان بر خوردار است. به این ترتیب برخلاف سیاست تفرقه جویانه ارتجاع و محافل گوناگون هیأت حاکمه جمهوری اسلامی که کارگران را بر حسب عقیده، مذهب و مرام تقسیم کرده و با ایجاد انجمن‌های اسلامی و کانون شوراهای اسلامی

کار و نظایر آن به خشن‌ترین شکل ممکن حقوق سندیکایی کارگران ایران را پایمال کرده و میکنند، جنبش سندیکایی در بر گیرنده تمامی کارگران است که بر اساس منافع طبقاتی نها صنفی همراه و همسنگر هستند. با آنچه مورد اشاره قرار گرفت و با در نظر داشتن مفهوم و ماهیت جنبش سندیکایی، اتحاد و وحدت عمل برای دفاع از منافع و حقوق کارگران و زحمتکشان در این مرحله و مقطع زمانی حساس که کشور ما در آن قرار دارد، ضرورتی کتمان ناپذیر تلقی می‌شود.

اختلافات موجود میان گروه‌های زحمتکشان هرگز مانعی غلبه ناپذیر در راه تامین وحدت عمل جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان نیست و نمیتواند باشد. مبارزه برای هدف‌های مشترک نیازمند اتحاد و وحدت عمل در گسترده‌ترین شکل است. در مسئله تامین وحدت صفوف جنبش سندیکایی به کار پیگیرانه و تاکید بر انگیزهای طبقاتی اهمیت جدی دارد. تجربیاتی نظیر اعلامیه‌ها و بیانیه‌های سندیکاهای کارگران فلز کار مکانیک، هیأت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به مناسبت اول ماه مه و طرح صحیح خواسته‌های طبقه کارگر در این بیانیه‌ها و نیز نامه مشترک این سندیکاهای در اعتراض به سازمان جهانی کار و هیأت جمهوری اسلامی در این نهاد، نمونه‌های از توانائی و امکانات موجود و قابل اتکا برای تامین وحدت عمل در صفوف جنبش سندیکایی زحمتکشان است. باید با کار صبورانه و منظم برپایه احیای حقوق سندیکایی این تجربیات موفق را تداوم بخشید و از منافع کارگران بصورت متحد به دفاع پرداخت!

## " مبارزه سندیکاهای مستقل علیه تحریم‌های امپریالیستی "

جنبش کارگری - سندیکایی ایران با هرگونه تحریم و مداخله خارجی در کشور مبارزه کرده و خواهد کرد.

اخیراً نامه‌ای با امضای دو سندیکای کارگری، یعنی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک و هیأت باز گشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران علیه تحریم‌های مداخله جویانه انتشار یافته است. در بخشی از این نامه آمده است: "با توجه به شرایط سخت اقتصادی کشورمان که گریبانگیر زحمتکشان ایرانی است این تحریم‌ها باعث رکود تولید در صنایع مورد تحریم و تورم و فقر بیشتر و همچنین منجر به بیکاری کارگران و متلاشی شدن خانواده‌های زحمتکشان ایران خواهد شد. .... این تحریم‌ها جنگی اعلام نشده بر ضد زحمتکشان ایران است و خانواده‌های زحمتکشان را هدف گرفته است."

بر کسی پوشیده نیست که اعمال تحریم‌ها اثرها و نتایج ناگواری برای اکثریت مردم، خصوصاً کارگران داشته است. تنها کلان سرمایه دارن وابسته به حاکمیت از تحریم‌ها منفعت برده و بر نفوذ سیاسی و قدرت اقتصادی خود افزوده اند. جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران قاطعانه با اعمال تحریم و مداخله خارجی مخالفت کرده و خواهد کرد. باید با هماهنگی و همراهی تمامی تشکل‌های کارگری واقعی و مستقل مبارزه‌ای همه جانبه علیه تحریم‌ها و برنامه‌های اقتصادی حکومت را سازمان داد.

## " سالگرد کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی - فاجعه ملی "



دهها فعال کارگری و سندیکا لیست در این فاجعه ملی اعدام شده اند

امسال مصادف با بیست و پنجمین سالگرد کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است که از سوی نیروهای میهن پرست، مترقی و دمکرات میهن ما به حق فاجعه ملی نام گرفته است. در سال ۶۷ به دنبال شکست سیاست جنگ افروزان خمینی و در یک برنامه از پیش طراحی شده، رهبران جمهوری اسلامی و در رأس همه آنها خمینی فرمان اعدام گروهی زندانیان سیاسی را صادر کردند. حکومت با این برنامه دست به یک تصفیه خونین زد و جنبش انقلابی و صلح طلب ایران را از برجسته‌ترین رهبران و کادرهای خود محروم ساخت. هدف ارتجاع به رهبری خمینی نابودی جنبش ترقی خواهانه مردم ایران و حزب‌ها و سازمان‌های میهن دوست و دمکرات بود. در این کشتار جنایت کارانه جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران نیز با تجربه‌ترین و آگاه‌ترین رهبران و کادرهای خود را از دست داد. دهها سندیکالیست مجرب و پر سابقه همراه هزاران زندانی دیگر از نیروهای چپ و دمکرات در ظرف کمتر از دو ماه طی دادگاهی چند دقیقه‌ای که یاد آوار دادگاه‌های تفتیش عقاید قرون وسطا بود، اعدام شدند.

تا کنون علت اعدام و محل خاکسپاری این قهرمانان مردم و مدافعان حقوق زحمتکشان مشخص نشده است. کمیته روابط سندیکایی همصدا با نیروهای مترقی، سندیکاهای کارگری و خانواده شهدای مردم خواستار معرفی و مجازات عاملان و آمران این جنایت فراموش نشدنی است. ما خواستار کارزاری مشترک از سوی همه نیروهای دمکرات و مترقی برای افشای جنایت فراموش نشدنی کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هستیم. ما یاد همه فرزندان شریف مردم و مدافعان آزادی، عدالت اجتماعی، صلح و حق حاکمیت ملی را گرامی داشته و به خاطره تمامی کارگران و سندیکالیست‌های جان باخته در این کشتار و دیگر جان باختگان درود می‌فرستیم.

کمیته روابط سندیکایی ایران

کارگران فلزکار مکانیک» و «هیأت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران» به درستی نوشته‌اند، "با توجه به شرایط بسیار سخت اقتصادی کشورمان که گریبانگیر زحمتکشان ایرانی است این تحریم‌ها باعث رکود تولید در صنایع مورد تحریم و تورم و فقر بیشتر و همچنین منجر به بیکاری کارگران و تلاشی شدن خانواده‌های زحمتکشان ایرانی خواهد شد." در این شکی نیست که تحریم‌های مداخله‌جویانه‌ی کشورهای امپریالیستی اثرات مخربی روی تولید ملی و زندگی روزمره‌ی کارگران و زحمتکشان ایران داشته است. ولی، در زیر به‌طور خلاصه به برنامه‌های اقتصادی نولیبرالی «تعدیل اقتصادی» دیکته شده توسط «صندوق بین‌المللی پول»، که دولت احمدی‌نژاد با حمایت ولی‌فقیه آنها را پیش برده است، و به تبعات آن برنامه‌های اقتصادی روی زندگی کارگران و زحمتکشان ایران اشاره خواهیم کرد.

چند نمونه گزارشی در رابطه با اثرات ویران کننده‌ی حذف یارانه‌ها روی تولید ملی و بیکار شدن دستجمعی کارگران. روز ۳۱ تیر ۱۳۹۲، در گزارشی با عنوان "هدفمندی یارانه‌ها ۳۰۰ کارخانه لبنیات را تعطیل کرد"، ایلنا می‌نویسد: "با اجرای طرح هدفمندی (ی) یارانه‌ها، بسیاری از کارخانه‌های لبنیات شرایط رقابت در بازار را از دست دادند و ظرفیت تولیدشان را به ۲۰ الی ۲۵ درصد کاهش داده‌اند." روز ۵ مرداد ۱۳۹۲، ایلنا گزارش داد، "در سال گذشته ۱۹۵ واحد تولیدی قارچ از مجموع ۴۱۰ واحد موجود تعطیل شده‌اند..... تعطیلی واحدهای تولیدی قارچ موجب بیکاری ۸۰ هزار کارگر شده است." در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۹۲، در گزارشی با تیتیر "بیش از ۸۰ درصد کارگران زیر خط فقر زندگی می‌کنند"، ایلنا می‌نویسد، "همزمان با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به دلیل افزایش نرخ سوخت، واحدهای تولیدی کشور با بحران مواجه شده‌اند.... به‌دلیل عدم پرداخت یارانه واحدهای تولیدی از ابتدای سال جاری تاکنون تعداد زیادی از کارگران از واحدهای تولیدی اخراج شده‌اند."

چند نمونه‌ی دیگر در رابطه با وضع وخیم معیشت طبقه‌ی کارگر. روز ۱۵ تیر ۱۳۹۲، در گزارشی با عنوان "سبقت هزینه‌های تامین اجتماعی از درآمدها در پی عدم تناسب نرخ تورم و مزد کارگران"، ایلنا می‌نویسد: "حذف ارزش مرجع برای سازمان خطرناک است..... تغییر نرخ ارزش حداقل باعث افزایش ۹۰ درصدی بهای اقلام دارویی و درمانی و بهداشتی شده است." به نقل از علیرضا حیدری، گزارش مزبور اضافه می‌کند، "این مسئله همچنین افزایش ۴۰ درصدی بهای اقلام دارویی و بهداشتی تولید داخل را به همراه داشته است..... در عمل تا کنون موسسات بیمه‌ای هیچ تعهدی را در قبال افزایش بهای دارو نپذیرفته‌اند و در عمل در حال حاضر مابه‌التفاوت این افزایش هزینه را شخص بیمه شدگان پرداخت می‌کنند." گزارش فوق اضافه می‌کند، "در صورتی‌که طبق قانون معادل ۱۰ درصد از درآمدهای حاصل از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها (باید) به وزارت بهداشت پرداخت شود..... از زمان حذف شدن ارزش مرجع، هزینه‌های درمانی سازمان تامین اجتماعی افزایش چشمگیری داشته است." جالب این‌جاست که با وصف تمام مشکلات سازمان تامین اجتماعی، که نتیجه‌ی «حیاط خلوت» خود انگاشتن سازمان توسط مسئولین دولت ضدملی احمدی نژاد

## زنان شاغلی که در نوبت کاری (شیفت‌های) مختلف کار می‌کنند دچار مشکل بارداری می‌شوند



نتیجه یک تحقیق جدید در انگلستان نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از زنان شاغلی که در شیفت‌های شب کار می‌کنند دچار مشکل بارداری می‌شوند. طبق یافته‌های محققین انگلیسی کارهای شیفتی موجب نامنظم شدن عادات ماهانه شده، و حتی باعث سقط جنین می‌شود. کارهای نوبتی موجب کم خوابی و بهم خوردن روند منظم زندگی عادی و آسیب‌های دیگری به سلامتی زنان شاغل می‌زند.

این تحقیق جدید که توسط دکتر لیندن استاکر (Linden Stocker) از دانشگاه همپتون جنوبی (Southampton) انگلستان انجام شده است نشان می‌دهد که کار در شیفت خطر بهم خوردن نظم عادات ماهانه و بارداری می‌شود. این تحلیل شامل تمامی مطالعات انجام گرفته از سال ۱۹۶۹ تا ۲۰۱۳ می‌باشد. در این تحقیق مقایسه‌ای انجام گرفته بین کارهای نوبتی و نوبت شب با کارهای روزانه زنان. نتایج اولیه بیانگر مشکلات بارداری و بهم خوردن روند عادی عادات ماهانه و سقط جنین‌های ناخواسته می‌باشد. در این مطالعه که شامل بررسی اطلاعات ۱۱۹۳۴۵ از زنان شاغل مورد مطالعه بوده است، مشاهده شده است که این عواقب ۳۳ درصد بیشتر از افرادی بوده که در شیفت‌های عادی کار می‌کنند می‌باشد. و در عین حال افزایش ۸۰ درصدی بارداری‌های نابهنگام را نشان می‌دهد.

زنان شاغلی که فقط در نوبت کاری شب کار می‌کنند آمار افزایش بهم خوردن نظم عادات ماهانه وجود ندارد و یا سختی بارداری را ندارند ولی افزایش سقط جنین را دارند: محققین یافته‌های خود را «جدید» ارزیابی می‌کنند و معتقد هستند که «یافته‌های ما نشان می‌دهد که نامنظم شدن بارداری زنان شاغل شیفتی در کارشان و نیز در کار کارفرما هایشان تاثیر دارد»

ترجمه از:

<http://www.wftucentral.org/?p=6617&language=en>

### یادآوری:

اتحاد کارگر بولتن کمیته روابط سندیکایی ایران است که مطالب آن به صورت ماهیانه انتشار می‌یابد. با ما همکاری کنید و گزارش، خبر و نظرات خود را برای ما ارسال دارید.

کمیته روابط سندیکایی ایران

نشانی ایمیل: [etehadkargaran@gmail.com](mailto:etehadkargaran@gmail.com)

## بیانیه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (WFTU) به مناسبت روز جهانی نلسون ماندلا



نلسون ماندلا در ۱۸ جولای ۱۹۱۸ در یک روستای کوچک در افریقای جنوبی متولد شد. او از همینجا شروع کرد که برود و یک رهبر بسیار محبوب تاریخی شود.

در دوران مبارزات مردم افریقای جنوبی، وی همراه با هزاران مبارز مشهور و گمنام با پایداری در مبارزات و قربانی کردن خود، در جهت پایان دادن به رژیم نژادپرست و نیز برقراری آزادی و برابری حقوق و احترام به مردم افریقای جنوبی تلاش می‌کردند.

حتی زندانی شدنش نیز باعث نشد که دست از مبارزه بردارد. در دوران سخت زندانش، فدراسیون ما این افتخار را داشت که جهت حمایت از مبارزات آزادی خواهانه مردم افریقای جنوبی و ماندلا اعتراضات بین المللی راه انداخته و بطرق مختلف جنبش سندیکایی و طبقاتی را بسیج نموده و جهت آزادی وی از زندان تلاش نماید.

امروز در شرایط بسیار سخت، باردیگر قلب و افکار همه ما همراه با مردم افریقای جنوبی می‌باشد. نلسون ماندلا پرچم صلح و آشتی بر علیه نفرت پخش شده توسط استثمارکنندگان می‌باشد.

کسی بهتر از خودش نمیتواند بیان کند که:

«کسی با نفرت به دیگران بدلیل رنگ پوست، وابستگی مذهبی و یا گذشته اش بدینیا نیامده است. مردم باید یاد بگیرند که نفرت داشته باشند. اگر چنانچه آنان می‌توانند یاد بگیرند که نفرت داشته باشند، پس میتوان به آنها یاد داد که می‌توانند دوست داشته باشند، دوست داشتن در قلوب طبیعی تر است تا بر عکس آن.»

ماندلا در آموزش و شکل دهی مبارزات زحمتکشان افریقای جنوبی تلاش زیادی کرده است، ما مطمئن هستیم که که ایی مبارزه با استفاده از تجربیات نسل گذشته ادامه و تکامل خواهد یافت تا زحمتکشان افریقای جنوبی از دیکتاتوری و استثمار رهایی یابند.



## جنبش جهانی کارگران و اتحادیه‌ها در قرن بیست و یکم



از تشکیل اولین اتحادیه کارگری در سال ۱۷۹۰ و از اولین اتحادیه بین‌المللی کارگران در سال ۱۸۶۴ سالها می‌گذرد. جنبش سندیکایی و کارگری در این مدت راه طولانی و سختی را طی کرده است و در این راه به اهداف و نتایج خوبی رسیده است. از اولین و مهمترین مسائلی که با ایجاد اتحادیه‌ها آشکار شد، نقش طبقه نوظهور کارگران و زحمتکشان بود که با سرعت وارد عرصه‌های اجتماعی و سیاسی توده‌های وسیع مردم در اغلب کشورهای جهان گردید. در آن سالها تا پیش از قرن ۱۸ مردم تصور میکردند که تغییرات اجتماعی توسط پادشاهان و شاهزادگان و یا خدایان و ارواح انجام میگیرد. تقدیر نوی ظهور کرد و آن اینکه تغییرات اجتماعی فقط توسط توده‌های وسیع امکان پذیر است.

و این درک جدید تاثیر بزرگی در مسیرتاریخ بشر در قرنهای ۱۹ و ۲۰ بوجود آورد. این مسیر حرکت تاریخ بشر دارای سختی های غیر قابل پیش بینی بود. جنبش اتحادیه‌ای از سالهای ۱۷۹۰ تاکنون موفقیت‌های بزرگی بدست آورده است و در عین حال دچار عقب‌نشینی و شکست و نقاط ضعف نیز بوده است. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در این تاریخ غنی جنبش کارگری نقش بزرگی داشت است. تاسیس آن در ۳ اکتبر ۱۹۴۵ یک پیروزی بزرگی برای جنبش سندیکایی- یک دستاورد تاریخی برای طبقه زحمتکش جهانی بود. این یک گام عالی و جدی برای ایجاد اتحاد بین پرولتاریا بر علیه فاشیسم و غلبه سرمایه‌داری جهانی بود. تحرک و قدرت WFTU بلافاصله باعث نگرانی قدرت های حاکم در امریکا و انگلستان و نیز سایر سرمایه‌داران در سراسر جهان شد. بخاطر این نگرانی یک موج عظیم برای تخریب و نابودی این اتحادیه جهانی راه انداختند. تاریخ شصت ساله اخیر جنبش کارگری بر همگان آشکار است. کتابهای متعددی در این رابطه نوشته شده است، اسناد غیر قابل انکار فراوانی وجود دارد. هزاران شاهد زنده از تاریخ مدرن این جنبش هنوز در قید حیات هستند و کسی نمی‌تواند واقعیت های تاریخی را انکار کند.

در طول شصت سال اخیر WFTU هرگز در کنار انحصارات و شرکت‌های بین المللی قرار نگرفته و هرگز در کنار بورژواها و امپریالیستها نبوده است. و نیز هرگز خنثی هم نبوده است. همیشه در کنار مبارزات زحمتکشان در تحصیل حقوق بنیادی و آزادی‌شان رزمیده است. ما همواره در کنار آنانی بوده‌ایم که برای صلح، پیشرفت و رفع استثمار انسان از انسان مبارزه می‌کنند، بوده‌ایم. ما نقش بزرگی در جنبش‌های مردمی آسیا، اقیانوسیه، افریقا، اروپا، امریکای لاتین و خاورمیانه داشته‌ایم. در این تاریخ ۶۰ ساله، ما نیز دارای اشتباه و لغزش بوده‌ایم. این اشتباهات و لغزش‌ها در هر صورت نقش مثبت و غنی WFTU را نفی نمی‌کند. ما به تاریخمان افتخار کرده و از پیروزی‌هایمان و شکست‌هایمان درس گرفته‌ایم.

اکنون که در اوان قرن ۲۱ هستیم، تعادل قدرتها در عرصه جهانی بهم خورده است. این بهم خوردگی به قدرت‌های امپریالیستی یک قدرت مطلق داده است که البته هزینه آن از جیب مردم زحمتکش پرداخت شده است. قدرت مطلق شدن موقت سرمایه‌داری در جهان، استثمار از توده‌های مردم و کشورها را تشدید کرده است، ثروتی که توسط مردم زحمتکش ایجاد می‌شود در دست تعداد اندکی افراد قدرتمند متمرکز شده است. پیشرفت علم و تکنولوژی در تمامی عرصه‌ها کاربرد وسیع تکنولوژی‌های جدید در خط تولید، سود کمپانی های جهانی را افزایش داده است.

در صورتیکه در یک جامعه عاری از بهره‌کشی انسان از انسان، تکنولوژی جدید، این دست آورد مامی بشریت بایستی که در خدمت کل بشر باشد. موجب کار کمتر انسان و درآمد بیشتر، لذت از حرفه کاری خود و احساس آرامش و نیز دارای وقت استراحت بیشتر و رسیدگی بیشتر به امورات فرهنگی و فراغت خاطر می‌شود. این یعنی زندگی بهتر و طولانی‌تر. این روزها نه تنها چنین چیزی امکان پذیر نیست، بلکه استثمار تشدید شده و ثروت افزوده شده در جیب معدودی افراد واریز می‌شود. ۱۱۵ میلیون کودک بی‌سواد هستند. در هر ۳،۶ ثانیه یک بچه می‌میرد. فقط در ایالت نیو اورلیان امریکا ۱۵۷۷ نفر از فقر جان باختند. در کشورهای اتحادیه اروپا رقم بیکاران از ۳۰ میلیون گذشته است. طبق گزارش یونسکو بیش از ۹۲۱ میلیون نفر در بی‌غوله‌ها و زاغه‌ها زندگی می‌کنند. و این یک تصویر واقعی است که در اغلب کشورهای سرمایه‌داری و یا مستقل با سیاست‌های نئولیبرال، یا محافظه‌کار و یا سوسیال دمکرات اداره می‌شوند، می‌باشد.

در شروع قرن ۲۱، استعمار مجدد کشورها با ویژگی‌ها و عناصر جدید در حال اوج گرفتن است. در قاره افریقا بسیاری از کشورها تحت فشارهای شدید قرار دارند و همینطور کشورهای امریکای لاتین. امریکا از توسعه بالای جمهوری خلق چین نگران می‌باشد و در

کشورهای سوسیالیستی سابق زحمت کشان در شرایط دوران فنودالی قرار دارند. نژادپرستی، نئو فاشیست‌ها و بیگانه‌هراسی دوباره در حال اوج‌گیری است! شورشی‌های اخیر مهاجرین در فرانسه و آمریکا موجد این امر می‌باشد.

در این قرن حاضر، فروپاشی‌های سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۱، توازن قدرت جدید را برقرار کرد که منجر به قدر مطلق شدن آمریکا گردید. ما معتقد هستیم که این قدرت مطلقه بودن موقتی بوده و این امر موجد جنگ‌های جدید، تغییر مرزهای کشورها، آواره کردن میلیون‌ها انسان، کشتار انسانهای بیگانه، تحدید استقلال کشورها موجب اسیری مردم می‌شود. سازمان ملل متحد نیز ابزار لایوشانی اعمال غیر قانونی آمریکا و انگلیس و سایر شرکاء آنها می‌شود. حتی آمار رسمی هم بیانگر این است که جنگ‌های معاصر امپریالیستی موجب آوارگی ۸/۵ میلیون و جابجایی ۲۱ میلیون در بین کشورها شده است. به بهانه مبارزه با تروریسم حقوق دموکراتیک اتحادیه‌های صنفی و نیز حقوق و آزادی مردم محدود شده است. حقوق انسانها، دولتها و مملکتها تحدید می‌شوند. گروه‌های پر قدرت سرمایه‌داری در مطبوعات خود تبلیغات ضد دموکراتیک خود را جا می‌اندازند. آنها اسناد و حقایق را جعل کرده و دروغ پراکنی میکنند و از این راه سود سرشار به جیب می‌زنند.

بانک جهانی و موسسه جهانی پول با سیاستهای خود موجب شرایط سخت برای مردم جهان شده اند.

### بنیادهای نظری WFTU

فدراسیون با پیگیری اصولی خود آماده مقابله با این دشواری‌های جدید ست. ما به تغییر توازن نیروها در جهان اذعان داریم و نیز تغییر خواستها و تغییر ترکیب طبقه زحمتکش واقفیم. علیرغم قبول همه این تغییرات، قانون اصلی سرمایه‌داری تغییر نیافته و باقی است: **طبقه زحمتکش آفریننده ثروت بوده ولی در پروسه تولید ثروت نصیب سرمایه‌دار می‌شود.**

در نتیجه علیه این تصویر عمومی، معضلات زیرین در مقابل جنبش جهانی سندیکایی موجود می‌باشد:

امروزه زحمتکش‌ها چه نوع اتحادیه‌کاری را نیاز دارند؟

چه تاکتیک و استراتژی را باید بکار ببرند؟

چه چیزی‌هایی را باید دور بریزند و چه اموری را اصلاح کنند؟

چه اندازه نظریه‌های اقتصادی امروزه نسبت به نظریه‌های ۱۵۰ سال پیش که مبارزات اتحادیه‌های جهانی شروع شد، تازگی دارند؟ آیا اتحادیه‌های صنفی باید توسط سخنان زده شده ارزیابی گردند یا با کنش و واکنش؟

رهبری جدید WFTU مسیر تازه‌ای را بر اساس تصمیمات کنگره پانزدهم اتحادیه‌های صنفی جهان - که در هاوانای کوبا در سال ۲۰۰۵ تشکیل شد، که موسوم به توافق نامه هاواناس - اتخاذ نموده است.

رهبری فدراسیون در طی سال ۲۰۰۶ با برگزاری نشستهای وسیع و اساسی با سازمانهای دوست و همکار و نیز فعالین مستقل کارگری از جنبش جهانی سندیکاهای، این اصول را بطور مفصل به بحث و بررسی گذاشت.

ماحصل این بحث‌ها و نیز موافقتنامه هاوانا منجر شد به اولویت‌های ده گانه، که فدراسیون برای فعالیت خود در این دوران سخت قرار داده است. این ۱۰ مورد بر حسب اولویت بندی لیست نشده و ما معتقد هستیم که هر کدام در نوبه خود ارزشمند می‌باشد.

### ده اولویت کنونی فعالیت WFTU

۱- برای اینکه جنبش کارگری و اتحادیه‌های صنفی توانایی بیان خواستهای طبقه زحمتکش را داشته باشد، باید با اصول مبارزات طبقاتی هدایت شود. مطالعه تاریخ جنبش کارگری جهان در ۲۰۰ سال گذشته اثبات می‌کند که تمامی دست آوردهای این جنبش جهانی فقط با مبارزات سخت بدست آمده است. در هیچ کجای جهان و هیچ کارفرما و سرمایه‌داری با میل خود مشکلات زحمتکش را حل نکرده است. جنبش ما هرگز نظریه‌های مخالف مبارزه طبقاتی را قبول ندارد.

۲- WFTU معتقد به استقلال سازمانی اتحادیه‌های صنفی از شرکت‌های چند ملیتی می‌باشد. ما در جامعه طبقاتی زندگی میکنیم بنابراین اتحادیه‌ها طبقه زحمتکش را نمایندگی می‌کند که دارای مشخصات نوین خودش است و با هدف همکاری وسیع و خواستهای عمومی می‌باشد. جنبش سندیکایی بایستی از نظر سازمانی از احزاب سیاسی مستقل باشد. بایستی علیه سیاستهای مخرب دولت‌ها که بر علیه به خواست عمومی است مبارزه کند. از نظر مالی بایستی مستقل بوده و به منابع مالی مشکوک و سری وابسته نباشد.

۳- امروزه بخاطر تروریسم کارفرما و سرکوب حکومتی یک عقب نشینی بزرگی در موضوعات حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سندیکایی بوجود آمده است. از نمونه‌های اخیر آن میتوان از سرکوب دولتی اعتصابات کارگران کره جنوبی، اعتصابات معلمین مکزیک، وحشیت دولت کلمبیا علیه مبارزات سندیکالیست‌ها و نیز بکارگیری سیستم‌های کنترل مدرن در کشورهای اتحادیه اروپا، تحدید و ارباب کارگران ساختمان سازی در استرالیا و هزاران نمونه غیر قابل انکار دیگر می‌باشد. فدراسیون خطر یورش به حقوق انسانی به بهانه مبارزه با تروریسم توسط آمریکا، انگلیس و متحدانشان به نیروهای مترقی هشدار می‌دهد. مبارزه برای دموکراسی و آزادی اتحادیه‌ها باید دایمی و مستحکم باشد.

۴- در این دوره دیوانگی امپریالیست‌ها، مبارزه برای صلح، مبارزه طبقاتی جنبش سندیکایی یک اصل بنیادی است. اولین قربانیان تهاجمات آمریکا و ناتو کارگران و زحمتکش می‌باشند. آنان در میدان‌های جنگ، در خانه‌هایشان و یا در کارخانجات کشته می‌شوند و از عواقب جنگ آسیب می‌بینند. جنبش جهانی صلح همه مردم ز همه کشورها را در حال توسعه را یاری خواهد کرد. فدراسیون آمادگی گسترش یک جنبش وسیع ضد جنگ با گسترش همبستگی بین المللی زحمتکش - که نکات اصلی جنبش اعتراضی با یک محتوی غنی‌یافته - می‌باشد. ما موافق برچیده شدن بدون استثناء تسلیحات هسته‌ای از همه کشورها هستیم.

۵- برای تمامی بشریت آشکار گردیده است که اتحاد منفی نیروهای مقهور جهانی در سازمان ملل در طی ۱۵ سال گذشته اقدامات ضد بشری آمریکا را قانونی جلوه داده‌اند. این یک دست آورد بسیار منفی می‌باشد. جنبش سندیکایی و کارگری در حال گسترش جنبش اعتراضی وسیع بوده و از سازمان ملل می‌خواهند که استقلال خود را از قدرتهای قاهره حفظ نماید. امروز به چنین سازمان مستقلی نیاز داریم.

۶- بنا به ارزیابی رهبری کنونی فدراسیون، اتحادیه‌های کارگری احتیاج به مبارزه مستمر با بروکراسی و نخبه سالاری دارند تا بتوانند اعتماد و مقبولیت را دوباره بدست آورند. تاریخ به ما آموخته است دموکراسی، انتقاد از خود و جمعی عمل کردن به جنبش ما کمک می‌کند. رهبران جنبش سندیکایی بایستی که ساده، همراه مردم عادی و یاور طبقه زحمتکش باشند نه اینکه خود ثروتمند شده و به سرمایه‌داران کمک کنند. رهبران واقعی سندیکاها بایستی که جوانترها را آموزش داده و به آنان اصول و ارزش‌های جنبش کارگری را یاد دهند. آنان بایستی به اصول بنیادی و نیز کارگران ساده احترام بگذارند.

۷- ما در قرن اطلاعات و آمار زندگی می‌کنیم. شرکت‌های چند ملیتی در تلاشند که این دانش را برای مدیران و کادرها خود نگهدارند. دسترسی داشتن زحمتکشان به دانش امروزی و آموزش فرهنگی بیش از هر زمانی ضروری است. در این چارچوب آموزش مبارزات سندیکایی با برگزاری سمینارها، مدارس جمعی و موسسات آموزشی برای همه کارگران مفید است. تحقیق و همه علوم ابزاری مهم و لازمی برای جنبش می‌باشد. با این ابزار جنبش کارگری بیشتر می‌تواند مشکلات جوانان، زنان، روشنفکران و مهاجرین اقتصادی - که با ورود خود به صفوف جنبش کارگری جان تازه‌ای به آن می‌دهند - را بررسی و راه حل نشان دهد. داشتن دانش بالا و آموزش فرهنگی برای اعضای اتحادیه‌ها ضروری می‌باشد.

۸- فدراسیون برای بهبود شرایط زندگی کارگران، وضع اقتصادی مناسب، تامین اجتماعی و خواسته‌های کارگری مبارزه می‌کند. خواسته‌هایی که موافق دوران و نیازهای آنان و منطقه زندگی‌شان است. آنان تلاش می‌کنند که همه کارگران را در اتحادیه‌ها متشکل نمایند. در تلاشیم که اتحادیه‌های کارگری کاری را در همه کشورها بطور آزاد پایه گذاری کنیم. همانطور که دراساسنامه فدراسیون ما ذکر شده، برای الغا استثمار انسان از انسان را برای همیشه، تلاش می‌کند. این عنصر کیفی به جنبش طبقاتی عزم راسخ در مبارزاتشان به عنوان موتور حرکت تاریخی برای ساختن جامعه‌ای عاری از بی عدالتی، عاری از جنگ با دموکراسی و آزادی می‌دهد. با حق آگاه شدن و مطبوعات دمکراتیک.

۹- فدراسیون علیه فرهنگ امپریالیستی - که درصدد تخریب تاریخ و نیز آداب و سنن فرهنگی و ویژگی هر ملتی هستند - مبارزه میکند. این تخریب فرهنگی در صدد است با تبلیغات چند لایه‌ای روش زندگی آمریکایی را در دنیا جا بیاندازد. هر ملتی، هر کشوری و هر اتحادیه کارگری دارای ویژگی خود و تاریخ منحصر به فرد خود می‌باشد. فدراسیون ما این ارزشها را محترم شمرده و از جوانان می‌خواهد که تاریخ و فرهنگ ملت خود را فراگیرند.

۱۰- WFTU اعلام می‌کند که بعد از کنگره ۱۵ فصل تازه‌ای را در مبارزات خود گشوده است و آماده است با سایر سازمانهای بین المللی کارگری، اتحادیه‌های محلی و کشوری، سندیکاها مستقل، علی رغم تفاوت در ایدئولوژی و عقاید سیاسی در تقویت دست‌آوردهای طبقه زحمتکش جهانی همکاری نماید. تنها ارزشی که برای هر همکار فدراسیونی وجود دارد برابری و احترام متقابل و قبول همدیگر با تفاوت‌های موجود با هدف مشترک می‌باشد. فدراسیون امروز سندیکاها ی دیگر را بعنوان رقیب خود محسوب نمی‌کند. دشمنان ما سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها هستند. اصل اساسی برای فدراسیون ما گسترش اتحاد همه زحمتکشان بدون توجه به طرز فکر، مذهب، رنگ و زبان و جنسیت بوده و می‌باشد. این اتحاد بایستی مبارزه متحد را تقویت و همه سندیکاها را با نیروی بیشتر و بطور موثر علیه سرمایه بسیج نماید. در این مبارزه مشترک همه کشاورزان بی زمین و فقیر، کارفرماهای کوچک، گروه‌های توده مردم و آنانی که از آینده زندگی در این جهان امروزی نگران هستند، جا دارند.

ما در دوران جهانی شدن، که ویژگی آن نئولیبرالیسم و تمرکز قدرت در دست تعداد معدودی، می‌باشیم. ما معتقدیم که این بهم خوردگی توازن نیروها در جهان موقتی بوده است! بیابید در کنار هم با این جهانی سازی مبارزه کنیم. فدراسیون جهانی سندیکاها با ۶۰ سال سابقه مبارزاتی نگرش طبقاتی جدید خود، به احیای جنبش جهانی سندیکاها امیدوار می‌باشد.

آتن ژانویه ۲۰۰۷

ترجمه از: [http://www.wftucentral.org/?page\\_id=40&language=en](http://www.wftucentral.org/?page_id=40&language=en)

## خروج کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار و حقوق زنان کارگر



تضمین حقوق زنان در همه ابعاد زندگی آنان، که نیمی از جمعیت کشور ایران را تشکیل می‌دهند و در توسعه و رشد تولیدات کشاورزی - صنعتی و آموزشی و خدماتی نقش عمده‌ای از نظر کیفی و کمی ایفا می‌کنند به شیوه‌های گوناگون و توسط قوانین تبعیض آمیز و ارتجاعی سالیان دراز است که ادامه دارد.

این سیاست‌های تبعیض آمیز که در پیوند با برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی قرارداد به منافع و حقوق کارگران شاغل در صنوف به‌ویژه زنان کارگر آسیب بسیار رسانده است. در واقع سیاست‌های دیکته شده از طرف صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مخالف تقسیم عادلانه ثروت‌های تولیدشده توسط کارگران و زحمتکشان فکری و یدی در بین آنان دارد.

از جمله سیاست‌های بغایت ارتجاعی و سودجویانه در نظام بهره کشی موجود در ایران وضعیت کارگاه‌های کوچک و زیر ۱۰ نفر است که مشمول قانون کار نمی‌شوند. استثمار کارگران زن در کارگاه‌های کوچک و متوسط و کارگاه‌های زیر زمینی بدون مجوز، لجام گسیخته است. گزارش‌های متعدد نشان می‌دهد شایع‌ترین مشکل زنان کارگر عبارتند از: ساعات طولانی کار، دستمزد ناکافی و کار سخت و طاقت فرسا و در برخی مواقع پرداخت نشدن حق بیمه و دستمزد کمتر از مردان در مقابل کار مساوی!

از آنجا که زنان کارگر شاغل در این واحدها (کارگاه‌های زیر زمینی و فاقد مجوز، کارگاه‌های کوچک و متوسط که از شمول قانون کار خارج هستند) نیاز شدید مالی دارند، هیچگاه شکایتی علیه کارفرمایان خود مطرح نمی‌کنند و در نتیجه این روند می‌تواند سالها بدون اعتراض ادامه داشته باشد.

نکته بسیار با اهمیتی را که می‌توان به این موارد افزود، این هست که در صورت نبود سندیکاها مستقل و غیرحکومتی و وابسته به نهادهای دولت، نه تنها مشکلات زحمتکشان و کارگران بهبود و یا کاهش نخواهد یافت، بلکه در نبود سندیکاها مستقل و واقعی کارگری، حقوق کارگران و زحمتکشان میهنمان باز هم مورد سوء استفاده و دست یازی کارفرمایان سودجوی و سوداگر قرار خواهد گرفت.

فعالین و سندیکالیست‌های کارگری باید به صورت مستمر این نکته را در میان زنان زحمتکش و کارگر میهنمان یادآوری کنند که منافع آنها با منافع مجموع طبقه کارگر پیوند ناگسستنی دارد و از این منظر بدون انسجام در درون تشکیلات کارگری واقعی نمی‌توان و یا شاید به سختی بتوان قدمی در راه بدست آوردن حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان برداشت.

بولتن روابط سندیکایی ایران

etehadkargaran@gamil.com

لطفا اخبار سندیکایی و کارگری را به ما بفرستید

اتحاد کارگر

سال اول شماره ۲

رمزپیروزی ما اتحاد ماست!



